

بررسی تأثیر طلاق والدین بر بزهکاری نوجوانان و جوانان شهر کرمانشاه

از صفحه ۸۵ تا صفحه ۹۵

نسرين عبدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۵

چکیده:

در این پژوهش به بررسی تأثیر طلاق والدین بر بزهکاری نوجوانان پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق نوجوانان بزهکار ۱۸-۱۲ سال شهر کرمانشاه می‌باشند که والدین آنها از هم طلاق گرفته‌اند و در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند. جهت بررسی جامعه آماری نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی استفاده شده است. این پژوهش شامل ۵ فرضیه است که پس از انجام آزمون فرضیات، نتایج نشان می‌دهد که بین متغیر نظارت والدین بر بزهکاری پسران رابطه معنا دار و مثبت وجود دارد اما بین ازدواج مجدد والدین و بزهکاری پسران نوجوان ارتباطی وجود ندارد، هم چنین بین ارضاء نیازهای عاطفی و بزهکاری پسران رابطه معنا دار و مثبت و میان علاقه و وابستگی به خانواده و بزهکاری نیز رابطه معنا دار و مثبت وجود دارد.

کلیدواژه: طلاق، بزهکاری، نوجوان.

مقدمه:

جدایی میان زوجین پدیده‌ای است که متأسفانه هر روز چشمگیرتر از قبل می‌شود و به صورت معضلی اجتماعی در آمده است که تبعات و اثرات سوء آن بر فرزندان و خود همسران آشکار است. در گذشته کمتر در باره‌ی طلاق و علل و عوامل پیدایش و افزایش و راه جلوگیری از وقوع آن فکر می‌کردند، در عین حال کمتر طلاق صورت می‌گرفت و کمتر آشیانه‌ها به هم می‌خورد. طلاق در عصر ما یک مشکل بزرگ جهانی است که همه از آن می‌نالند و شکایت دارند، کسانی که طلاق در قوانین آنها ممنوع است از نبودن طلاق و بسته بودن راه خلاصی از ازواج‌های ناموفق و نامناسب که قهراً پیش می‌آید می‌نالند. در این میان کسانی که راه طلاق را بر روی زن و مرد متساویاً باز نموده‌اند و فریاد آنها از زیادی طلاق‌ها و ناستواری بنیان خانواده با همه عوارض و آثار نامطلوبی که دارد، به آسمان رسیده است.

بررسی مسائل طلاق از دیدگاه‌های گوناگون می‌تواند در کاهش این بلای اجتماعی مؤثر باشد و از این رو مسئله بریدن پیوند ازدواج همواره مورد توجه اندیشمندان و حقوق‌دان‌ها و مربیان جامعه بوده و دلسوزان و مصلحان را به تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و افزایش این آفت به همدلی وا داشته است (گواهی، ۱۳۷۱: ۹).

طلاق آفتی اجتماعی است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، مگر از خانواده‌هایی استوار برخوردار باشد، زیرا که خانواده سنگ‌بنای اجتماع محسوب می‌شود. هرگز هدف این نیست که قوانینی در حذف طلاق وضع شود. طلاق وجود دارد همان گونه که جامعه و ارتباطات موجود است. هرگز نمی‌توان تصور کرد که تمامی ارتباطات انسانی بر جای بماند و هیچ ارتباطی آسیب نبیند اما جامعه باید در اندیشه کاستن از تعداد طلاق باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۱).

نگاه مرد سالارانه جامعه و تحقیر زن از سوی مرد و قوانین کشور باعث باز گذاشتن دست مرد برای طلاق در ایران شده است. هر چند علل طلاق در طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است اما ۹۰ درصد طلاق‌ها متعلق به قشر روشنفکر، طبقات مرفه و نیمه مرفه است.

بیان مسئله:

جامعه متمدن و صنعتی امروز پیامدهای خاص به دنبال دارد که از جمله آن تزلزل و سستی بنیادهای خانواده، کاهش عاطفه‌ها و محبت در میان افراد است. از آن جا که خانواده سنگ بنای اجتماع محسوب می‌گردد باید در تحکیم آن چاره‌اندیشی نمود و نهایت کوشش برای ایجاد روابط صمیمانه و عاطفی در درون خانواده به کار گرفت در غیر این صورت زیان‌های غیر قابل جبرانی به بار می‌آورد.

بحث طلاق از عمده مسائل مهم بشری محسوب می‌شود و چنان که مشهود است، همواره آمار طلاق افزوده می‌گردد (گواهی، ۱۳۷۱: ۱۱).

طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی بر ساختار خانواده اثر گذار است و پیامدهای متعددی از آن، جامعه را متأثر می‌سازد و کارکردهای مناسب را به کارکردهای نامناسب تبدیل نمود و مسائل بی شماری را به وجود می‌آورد.

بارزترین نتیجه‌ی منفی طلاق در طبقات اجتماعی، اثر آن بر فرزندان خانواده‌های ناسازگار به

شمار می‌رود. مشکلات متعدد شخصیتی، افت تحصیلی، تنهایی، از خود بیگانگی، بزهکاری، اعتیاد و صدها آسیب اجتماعی دیگر در کنار سایر عوامل به طلاق مربوط است. گسترش طلاق و افزایش آن موجب شده تا جامعه دچار مشکل گردد. بالا بودن درخواست‌ها و طلاق‌های واقع شده گویای این مسئله است (ملک زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

روند تاریخی پدیده‌ی طلاق نشانگر آن است که هر چه از نظام‌های ساده گذشته به سوی جوامع صنعتی و سرمایه‌داری نزدیکتر می‌شویم امکان فراوانی طلاق افزایش یافته است. محو تدریجی و بعضاً ناگهانی اهمیت خانواده در هر اجتماع رشد تضادها و تقابل‌های روز افزون اجتماعی، فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تازه نظام خانوادگی را متحمل کرده و آن را به مبارزه فرا خوانده است.

طلاق مانند مورینه به خانواده راه یافته است و سرانجام نیز به دنبال جنگ اعصاب و یا حتی نزاع و درگیری و ... کانون خانواده را از هم می‌پاشد (سارو خانی، ۱۳۷۲: ۵۲).

طبق تحقیقات به عمل آمده، اکثر مجرمین یا قربانیان طلاق بوده‌اند یا در خانواده‌های ستیزه جو رشد یافته‌اند. آسیب پذیرترین افراد در مسئله طلاق والدین، نوجوانان آن خانواده‌ها هستند. چنین نوجوانانی برای رفع کمبودهای عاطفی خود قدم در محیط خارج از خانه می‌گذارند. بنابراین کوچک‌ترین غفلت خانواده موجب سرگردانی نوجوان و انحراف از صواب و سقوط او به پرتگاه جرم و جنایت خواهد شد و خانواده‌ی که دچار مشکلات خانوادگی باشد نوجوان آن مستعد قرار گرفتن در معرض هر گونه انحراف خواهند بود. مسئله بزهکاری نوجوانان معلولی است که عوامل گوناگون طلاق والدین، یکی از فاکتورهای حائز اهمیت در بروز این پدیده است. در این پژوهش سعی شده است تأثیر طلاق والدین بر بزهکاری پسران نوجوان (۱۸-۱۲) مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

طلاق هم برای فرد و هم برای جامعه پیامدهای ناگواری را به همراه دارد، هم چنین طلاق علاوه بر آن که بر والدین اثر ناهنجار و زیانباری به جای می‌گذارد بر سرنوشت و خوشبختی نوجوان آسیب‌های روانی و اجتماعی جبران ناپذیری پدید می‌آورد (گواهی، ۱۳۷۱: ۱۴۸).

نزدیک به ۹۰ درصد از نوجوانان بزهکار، منحرف یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که طلاق باعث شده است تا شیرازه زندگی آنان از هم گسیخته شود و سایه شوم خود را به سایبان زندگی نوجوانان افکنده است. بنابراین خانواده اولین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است و سلامت جامعه در گروه تعادل و تعالی کانون مقدس خانواده است. انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم است که انسان‌ها به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می‌شوند (کوئن، ۱۳۷۵: ۱۳۰).

اهمیت این تحقیق خدمت به خانواده در جهت تقویت و تحکیم این نهاد اجتماعی می‌باشد که گاهی ممکن است برخی با کوچک‌ترین مسئله در زندگی و بدون توجه به نیازهای عاطفی فرزندان به طلاق بیندیشند. بنابراین باید توجه کرد که طلاق و گسیختگی خانواده تأثیر مستقیم و قطعی در بروز رفتار بزهکارانه در نوجوان دارد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی:

بررسی تأثیر طلاق والدین بر بزهکاری پسران نوجوان (۱۸-۱۲ سال).

اهداف جزئی:

شناخت تأثیر نظارت والدین بر بزهکاری پسران نوجوان؛

شناخت تأثیر ازدواج مجدد والدین بر بزهکاری پسران نوجوان؛

شناخت تأثیر اختلافات خانوادگی بر بزهکاری پسران نوجوان؛

شناخت تأثیر ارضای نیازهای عاطفی بر بزهکاری پسران نوجوان؛

شناخت تأثیر علاقه و وابستگی به خانواده بر بزهکاری پسران نوجوان.

فرضیه‌های تحقیق:

به نظر می‌رسد میزان نظارت والدین بر بزهکاری پسران تأثیر دارد؛

به نظر می‌رسد ازدواج مجدد والدین بر بزهکاری پسران نوجوان تأثیر دارد؛

به نظر می‌رسد اختلاف خانوادگی بر بزهکاری پسران نوجوان تأثیر دارد؛

به نظر می‌رسد علاقه و وابستگی به خانواده بر بزهکاری پسران نوجوان تأثیر دارد.

تأثیرات ویرانگر طلاق والدین بر نوجوانان:

غالباً تأثیرات و پیامدهای طلاق در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مشاهده شده و بیش‌ترین آسیب‌ها را متوجه نوجوانان دانسته‌اند به دلیل آن که طلاق والدین غالباً در پس‌مشارجت و اختلافات علنی است و نوجوانان نه انتظار چنین اختلافی و نه تصویری روشن از آینده دارند، بنابراین فشارهای روانی زیادی را تجربه می‌کنند. با وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر طلاق در جامعه ما هنوز مسئله‌ای عادی قلمداد نمی‌شود و نوجوان طلاق در میان بستگان و محله‌انگشت نما و تحقیر می‌شوند.

مهم‌ترین تأثیرات طلاق بر نوجوانان به شرح زیر است:

۱- مشکلات روحی و جسمی:

طلاق علاوه بر ناراحتی‌های روانی و رفتاری‌های زندگی، فرزندان را بر جای می‌گذارد که به علت پرورش در شرایط نامساعد از نظر روانی و جسمانی وضع طبیعی ندارند. طلاق باعث افسردگی نوجوان می‌شود به نحوی که کمتر از زندگی لذت می‌برند، بی‌اشتهایی بر آنان چیره می‌گردد و خسته به نظر می‌رسند. هم‌چنین روحیه وسواسی و اضطراب، پرخاشگری و عصیان، بی‌قراری، حسادت و سماجت از دیگر حالاتی است که در بین نوجوانان طلاق دیده می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند آسیب‌پذیری پسران در مقابل طلاق به مراتب بیشتر از دخترهاست، معمولاً دو سال طول می‌کشد تا دخترها با محیط جدید سازش پیدا کنند. پسران زمان بیشتری لازم دارند تا سازگاری خود را نشان دهند. کودکان، پریشانی خود را گاه با گریه و بزرگ‌ترها (نوجوانان) به صورت افت تحصیلی و یا پرخاشگری و عصیان و (دختران) با انزوا و غمگین بودن

نشان می‌دهند. والدین روی بچه‌های هم جنس خود کنترل بیشتری اعمال می‌کنند. به همین دلیل مادرها بیشتر از پدرها به دختران سخت می‌گیرند و پدرها بیش از مادرها با پسران جدی هستند. از طرفی پسران و دختران نوجوان به یک اندازه نیازمند صحبت و توجه از طرف والد سرپرست خود هستند، لیکن این والدین بیشتر به دختران محبت و نوازش به خرج می‌دهند، لذا عکس‌العمل پسران شدیدتر و سازگاری آنان کندتر از دختران در مسئله طلاق است (تایبر، ۱۳۷۱: ۱۰۶).

در زندگی پس از جدایی والدین، نوجوان تک والدی که مادر سرپرست او می‌شود به دلیل فقدان پدر مسائل روحی و روانی به ویژه در میان دختران ایجاد می‌شود که می‌توان به بدبینی نسبت به مردان، بی‌خبر ماندن از روحيات و سازگار وجودی مردان اشاره کرد. گاه آسیب‌های آن در ازدواج چنین دخترانی آشکار می‌گردد، هم چنین احساس بی‌پناهی و ضعف شخصیت بروز می‌کند. در صورت فقدان مادر نیز آسیب‌های عاطفی و شخصیتی و اختلال در رشد ذهنی، اجتماعی و اخلاقی نوجوان پدید می‌آید، یک پدر هر چه تلاش کند و بتواند نقش مادر را با موفقیت بازی کند، نخواهد توانست نیاز به عواطف مادرانه را در نوجوان ارضا کند (گواهی، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

۲- مشکلات تربیتی:

وقتی که طلاق، اجتناب ناپذیر می‌گردد، مسئله مهم سرپرستی فرزند آغاز می‌شود. نکته مهم این است که تک والدی مشکلات خود را به همراه خواهد داشت از جمله این که نوجوان اگر بتواند با هر دو والد در ارتباط باشد و درضمن سرپرستی یکی از والدین، دیگری هم بتواند با او دیدار داشته باشد، ناهماهنگی میان این دو الگو، دو نوع روحیه و شخصیت روانی را به نوجوان خواهد آموخت. به ویژه اگر پدر و مادر در رفتارها و سخنان خود و بدگویی سعی در موجه بودن رفتارهای خود داشته باشند نوجوان قادر نخواهد بود هماهنگی و سازگاری میان این دو گونه رفتار را بیابد. از طرفی، زندگی با یک والد و بی‌ارتباط بودن با والد دیگر که معمولاً مادر است موجب می‌شود نوجوان شناخت صحیحی از جنسیت و صفات روحی و بیولوژیکی والد دیگر پیدا نکند. لذا پسرهایی که با مادر زندگی می‌کنند ممکن است بسیاری از روحيات مردانه بیگانه و بی‌تجربه بماند و یا بر عکس دخترانی که تنها با پدر خود زندگی می‌کنند ممکن است چنین مشکلی داشته باشند (والچاک، ۱۳۷۰: ۲۳۲).

زندگی با یکی از والدین نمی‌تواند شخصیت کامل و متعادلی را در نوجوان پدید آورد و این‌گونه زندگی جواب‌گوی همه نیازهای نوجوان نیست، زیرا نوجوان در این‌گونه زندگی برای رفتارهای خود تنها یک مربی و الگو دارد و از لحاظ محبت و سرپرستی تنها به یکی از والدین می‌تواند تکیه کند. از سوی دیگر جامعه هرگز نخواهد توانست نقش پدر و مادر را برای نوجوان ایفا کرده و همه نیازهای عاطفی، روانی و معنوی او را تأمین نماید (هال، ۱۳۸۷: ۹۵).

۳- احساس گناه و سر درگمی:

ویژگی‌های مشترک فرزندان پس از طلاق، احساس گناه است زیرا معتقد هستند که ممکن است آنها باعث و بانی جدایی والدین بوده‌اند.

هنگامی که والدین از هم طلاق می‌گیرند نوجوانان دچار سردرگمی و تا حدی احساس طرد شدن می‌کنند، آنها نمی‌دانند کجا بروند، چه اتفاقی خواهد افتاد و فردا چگونه خواهند بود معمولاً مانند

افراد گمشده، سرگردان و بی هدف هستند.

اغلب نوجوانان احساس می‌کنند جدا و متفاوت از دیگران هستند، بنابراین به جستجوی دوستانی مانند خود بر می‌آیند تا با آنها صحبت کنند و این نیاز را احساس می‌کنند که برای رفع تنهایی و خلاء با دیگران باشند اما از نزدیک شدن به دیگران می‌ترسند. نوجوانان به جای آن که در باره‌ی ناکامی‌هایی خود حرف بزنند یا به پدر و مادران بگویند که دل آنها برای محبت آنها تنگ شده است، به رفتارهای هیجانی دست می‌زنند (فیشر، آلبرتی، ۱۳۸۷: ۶).

۴- اختلال در هویت فردی و خانوادگی:

هنگامی که طلاق زنجیره خانواده را از هم پاره می‌کند، پدر و مادر هویت جداگانه‌ای می‌یابند، ولی آن کسی که دیگر نامی ندارد و بی پناه و متزلزل در جامعه رها می‌شود فرزند (نوجوان) است. حتی اگر زیر چتر حمایتی یکی از والدین هم باشد باز جامعه به دیده یک فرزند درمانده به او می‌نگرد که ولی و سرپرستی ندارد.

جدایی پدر و مادر یک اثر آنی و زود گذر نیست، بلکه در تمامی مراحل زندگی فرزندان اثرات منفی و زیان باری را بر جای خواهد گذاشت. پراکنده شدن اعضای خانواده و محرومیت نوجوانان از سرپرستی مشترک والدین پس از فرو پاشی و انحلال خانواده، آنها را از داشتن مواهب و مزایای زندگی خانوادگی محروم کرده و هویت فردی و خانوادگی خود را مختل می‌نماید.

نوجوانان می‌خواهند از محبت و همراهی والدین خود بر خوردار باشند مطمئن باشند که هر دو آنان (پدر و مادر) در کنار آنها هستند. با طلاق و جدایی، تعلق و دلبستگی فرد به خانواده کاهش می‌یابد و هویت خانوادگی او مخدوش می‌گردد.

۵- مشکلات زندگی در آینده:

مشاهده تعارض والدین و روابط زناشویی ضعیف آنان، احتمالاً تأثیر نامطلوبی بر موفقیت ازدواج نوجوانان می‌گذارد. بیشتر نوجوانانی که با خانواده‌های طلاق و یا با سرپرستی یکی از والدین زندگی می‌کنند علاوه بر این که دچار انحرافات جنسی و اخلاقی می‌شوند، ازدواج آنها نیز به طلاق منجر می‌شود و درصد طلاق در این گروه که پیشینه طلاق والدین را دارند، در مقایسه با دیگران بیشتر است.

طلاق و جدایی موجب می‌شود نوجوانان نسبت به زندگی، دلسرد و غمگین شود در زندگی اجتماعی و خانوادگی ناسازگاری داشته باشند و این به زندگی آینده آنها صدمه وارد خواهد ساخت. از سوی دیگر افراد جامعه به دلیل تئبیک طلاق و نگرش نسبت به آن، تمایل چندانی به وصلت و انتخاب همسر از خانواده‌های طلاق گرفته و نوجوانان طلاق ندارند، لذا احتمال ازدواج این فرزندان نیز نسبتاً پایین تر است.

تحقیقات داخلی:

فرزانه توکلی فرد در پژوهشی به مقایسه عملکرد خانواده‌های نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت و نوجوانان عادی ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر تهران پرداخته است. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که بین عملکرد خانواده‌های نوجوانان عادی و نوجوانان بزهکار تفاوت معناداری وجود

دارد.

بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی موثر بر بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد عنوان تحقیقی است که ماندانا ساکی، مژگان جاریانی و همکاران به انجام رسانده‌اند، نتایج تحقیق نشان داد بین سابقه‌ی مردودی، وضعیت اقتصادی خانواده، شغل و تحصیلات پدر و مادر، ارتباط بین فردی اعضای خانواده و درگیری و تعارض تفاوت معناداری وجود دارد. مهرداد کلانه جاری، احمد خسروی و دیگران در پژوهشی با عنوان مقایسه ویژگی‌های اجتماعی، شخصیتی و خانوادگی نوجوانان بزهکار پسر استان مازندران در سال ۱۳۸۳ پرداختند که نتایج آن به شرح زیر است: سرقت (۵۴/۲٪) درگیری (۲۵٪) و رابطه نامشروع (۴/۲٪) جزء شایعه‌ترین موارد بزهکاری بوده است.

از بین متغیرهای خانوادگی ازدواج مجدد، بیکار بودن و سابقه مصرف مواد مخدر توسط پدر با بزهکاری نوجوان رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی تحلیلی ابعاد اجتماعی، خانوادگی و ویژگی‌های شخصی - شناختی در به وجود آمدن بزهکاری، عنوان پژوهشی است که توسط سعید رضایی، سید کمال خرازی، الهه حجاری، غلام علی افروز صورت گرفته است نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نوجوان عادی و بزهکار به غیر از تربیت تولد و فصل تولد، توانایی برقراری ارتباط اجتماعی و شخصی - شناختی تفاوت معناداری با یکدیگر نشان می‌دهند.

تحقیقات خارجی:

در تحقیقی که توسط جی هبر (۱۹۹۰) صورت گرفت مشخص گردید، ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند کاهش شدیدی در اعتماد به نفس اعضای خانواده به وجود می‌آورد. چنین کمبودی می‌تواند ماهیتی روانی یا جسمی باشد. این تحقیقات مدلی را نشان می‌دهد که در آن افراد از هم جدا شده به علت کاهش اعتماد محتاج همیاری و کمک هستند. گذشته از این طلاق پدیده‌ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد (یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل، خانواده را از هم متلاشی می‌کند) و از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر می‌گذارد؛ زیرا موجب می‌شود (فرزندانی محروم از نعمت خانواده تحویل جامعه گردند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی در احزار مقام شهروندی یک جامعه‌اند بنابراین آسیب اجتماعی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضای خانواده، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده می‌باشد.

چارچوب نظری تحقیق:

نظریه فرزندان طلاق جویدیت و الرستین و جون کلی:

این نظریه به این مطلب اشاره دارد که «جدایی والدین از هم‌دیگر در گرایش فرزندان به بزهکاری موثر می‌باشد» و کودکان پس از جدایی پدر و مادر در اغلب موارد دچار اضطراب عاطفی آشکار شده و از آن رنج می‌برند.

این دو نظریه‌پرداز هم چنین می‌گویند کودکانی که تجربه طلاق در زندگی خود را می‌بینند در نتیجه دارای اضطراب و فرار از خانه می‌شوند و در نتیجه در دام مشکلات و انحرافات بزهکاری‌های مختلف می‌افتند. بدون تردید بعضی از منحرفان جوان به خانواده‌هایی تعلق دارند که دچار تعارض

و کشمکش‌های خانوادگی و اختلاف‌های عاطفی هستند. وجود مسائلی چون متارکه، جدایی، طلاق، لاقیدی‌های والدین نسبت به زندگی و فرزندان و سر و سامان زندگی کیفیت روابط زوجین و والدین بر اساس تضاد و یا هماهنگی بر بزهکاری جوانان تأثیر دارد (کی نیا، ۴۹۵:۱۳۷۳).

نظریه افسردگی تاپیر:

طلاق و جدایی والدین در گرایش به بزهکاری فرزندان تأثیر دارد. پسران و دختران جوانی که به سبب طلاق پدر و مادر خود را از دست می‌دهند، از درون دچار خلأ و کمبود عمیق می‌گردند که ممکن است با دریافت محبت کمتری از جانب مادر به علت حجم شدید مسئولیت‌های جدید به کم شدن اعتماد به نفس و در نتیجه افسردگی منتهی شود. دومین تأثیر افسردگی کودک مخصوصاً بچه‌های بزرگ از دست دادن قدرت ابتکار، بروز ناامیدی، افسردگی و در نتیجه از دست دادن کفایت و شایستگی است که ممکن است انسان در شرایط مناسب محیطی از خود نشان دهد (تاپیر، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

نظریه اسکود و همکاران:

عدم حضور یک شخصیت مقتدر مانند پدر و مادر در بزهکاری اطفال و جوانان که در این راستا به ۴ دسته از عوامل اشاره می‌کنند.

- ۱- فراهم بودن شرایط انحراف (مثلاً امکان دسترسی به عواملی نظیر الکل و سیگار و حشیش و...);
- ۲- میزان گذراندن زمان با جوان‌های هم سن: در گروه‌های هم سن و سال انسان کارهایی را انجام می‌دهد تا از جانب همسالان تشویق شده یا توییح نشود;
- ۳- عدم حضور یک شخصیت مقتدر: بیشتر کارهای انحرافی در خانواده‌ها وقتی روی می‌دهد که یک عضو مقتدر خانواده در منزل نباشد;
- ۴- زندگی برنامه‌ریزی شده: به همان میزان که جوانان دارای برنامه در زندگی می‌شوند به همان میزان وقت برای کارهای غیر برنامه ریزی شده کم می‌آورند;
- ۵- دانش آموزشی که در خانواده‌های متلاشی شده زندگی می‌کنند (خانواده‌هایی که بین پدر و مادر جدایی صورت گرفته) گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند;
- ۶- رابطه‌ی بین بزهکاران جوان و بعضی از مشکلات خانوادگی، مانند مشکل هویت سازی با والدین و پیوند استوار فرزندان با خانواده رابطه‌ی معکوس با بزهکار جوانان دارد. پیوند استوار فرزندان با خانواده رابطه‌ی معکوس با بزهکاری جوانان دارد.

از تحقیقات هیرشی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مطالعات بزهکاری جوانان هنگامی که تأثیر متغیرهای خانوادگی مورد نظر است باید به ساخت خانواده و طبیعت روابط درون خانواده توجه کرد. بحث‌های مرتبط با ساخت خانواده شامل گسیختگی خانوادگی و روابط اعضای خانواده می‌شود. منظور از خانواده گسیخته، خانواده‌ای است که یک یا دو نفر از والدین طبیعی فرزند، به علت حوادثی چون مرگ، ترک خانه و طلاق به طور کامل غایب است. روابط خانوادگی شامل تضادهای والدین، روابط والدین و فرزند، الگوی اداره منزل و مقررات داخلی خانه است. رابطه‌ی متغیرهای خانوادگی و بزهکاری در بعضی از تحقیقات تجربی مطالعه شده است. بسیاری

از محققان رابطه‌ی منفی بین خانواده و بزهکاری را پیدا کرده‌اند. این نوع تحقیقات عدم برخورد عادلانه با فرزندان را عاملی در جهت انحراف می‌دانند (تایپر، ۱۳۷۱: ۱۰۷). از نقاط قوت نظریه کنترل این است که می‌تواند با تحقیقات تجربی اندازه‌گیری شود. اما نقطه ضعف عمده آن، این است که ابعاد متغیرهای مورد بررسی محدود است و از بسیاری از عوامل اجتماعی، نابرابری اقتصادی، تاریخی، فرهنگی و تأثیر ساخت کلی جامعه در این نظریه غفلت شده است.

نظریه میدانی کورت لوین:

میدان اجتماعی و روانی (عوامل فردی و محیطی) در گرایش فرزندان طلاق به بزهکاری مؤثر است. کورت لوین در این زمینه معتقد است رفتار انسانی تابع عوامل مختلف به هم وابسته است و این عوامل را می‌توان به دو گونه خصایص شخصیتی و محیطی تقسیم کرد؛ چرا که رفتار هر فرد تابع آن شرایط محدود زمانی و مکانی خاص است که او در آن زندگی می‌کند. این رابطه پویایی تقابلی موقعیتی را به وجود می‌آورد که رفتار تابع آن است. رفتار تابع = تابع (خصوصیات شخصی + خصوصیات محیط).

به عقیده کورت لوین، میدان اجتماعی شبکه‌ای است از مواضع نسبی که اعضا یک گروه آن را اتخاذ کرده و وابستگی را بین خود برقرار می‌کنند. ساخت یک گروه و سازمان، پویایی آن گروه و سازمان را معین می‌کند.

نظریه هرم نیازهای آبراهام مازلو:

میزان امیدواری برای ارضای نیازها در گرایش به بزهکاری مؤثر است. مازلو نیازهای موجود برای هر انسان را به ۵ دسته تقسیم می‌کند که به شرح زیر عبارت‌اند از:

- ۱- نیازهای جسمانی، که هدف آن حفظ حیات زیستی انسان است؛
- ۲- حس صیانت، (امنیت، آزادی)؛
- ۳- حس تعلق خاطر و عشق (محبت)؛
- ۴- ارزش و منزلت (خود و دیگران)؛
- ۵- پرورش و رشد شخصی، (از طریق رشد امکانات و رشد ظرفیت‌ها و استعدادها).

باید توجه کرد که بزهکاری وقتی پیش می‌آید که یکی یا چند مورد از این نیازها در جامعه ارضاء نشوند و در نتیجه فرد برای این که بتواند این نیازهای موجود را رفع نماید دست به اعمال خلاف می‌زند؛ چرا که خود در وهله اول باعث و بانی ارضای نیازها شده است لذا فرد نیز به بزهکاری رو می‌آورد.

روش پژوهش:

تحقیق حاضر از نوع پیمایش است. جامعه آماری این پژوهش شامل پسران نوجوان بزهکار ۱۸-۱۲ سال می‌باشند که والدین آنان از هم طلاق گرفته‌اند و در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند. تعداد آنها ۲۲۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی انتخاب شده است. با توجه به نوع

روش تحقیق که عملی - تبیینی است برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون () استفاده شده است.

جامعه آماری:

جامعه آماری این تحقیق پسران نوجوان (۱۸-۱۲) سال ۱۳۹۰ است که والدین آنها از هم طلاق گرفته‌اند و در این کانون به سر می‌برند تعداد آنها (پسران نوجوان بزهکار) ۲۲۰۰ نفر می‌باشد.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی انتخاب شده است و حجم نمونه بر اساس مدل شارپ کوکران به دست آورده می‌شود که نتیجه حجم نمونه ۵۰ نفر مد نظر بود.

نتایج تحقیق:

آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از دو فن آماری، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس انجام گرفت. برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح فاصله‌ای قرار می‌گیرند، با متغیر وابسته که در سطح سنجش فاصله است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و جهت آزمون فرضیه‌های مستقل آنها در سطح سنجش اسمی یا ترکیبی قرار دارد از آزمون f که نشان‌دهنده میانگین چند متغیره است.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای نظارت والدین و بزهکاری پسران نوجوان را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که بین این دو متغیر تأثیر معنادار وجود دارد و این استنباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون $\text{sig} = 0.000$ در سطح حداقل ۰/۹۵ درصد معنادار است. در نتیجه می‌توان گفت میان نظارت والدین و بزهکاری پسران تأثیر معنادار و مثبت وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی پیرسون بین نظارت والدین و بزهکاری پسران نوجوان

sig	R	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۰/۵۹۷	۰/۹۰۸	۳/۴۶	۲۲	نظارت والدین
		۳/۹۱	۲۴/۷۱	۴۹	بزهکاری

جدول زیر آزمون تفاوت نمره میانگین سطح ازدواج مجدد والدین و بزهکاری پسران نوجوان را نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین نمره سطح ازدواج مجدد والدین پاسخگویان باهم تفاوت چندانی وجود ندارد. بر اساس آزمون F و سطح معناداری ($\text{sig} = 0.316$) در حداقل ۰/۹۵ معنی دار نیست و فرضیه رد می‌شود.

جدول ۲: بین ازدواج مجدد والدین و بزهکاری پسران نوجوان

sig	F	انحراف معیار	میانگین	
۰/۳۱۶	۱/۱۸۱	۳/۷۴	۲۴/۴۳	یکی از والدین ازدواج کرده است
		۴/۵۳	۲۶/۶۲	هر دو ازدواج کرده‌اند
		۳/۸۳	۲۴/۰۹	هیچ کدام ازدواج نکرده‌اند

(جدول ۳) ضریب همبستگی پیرسون بین اختلاف خانوادگی و بزهکاری پسران نوجوان را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که بین این دو متغیر تأثیر معنادار وجود ندارد و این استنباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون $\text{sig} = ۰/۲۲۹$ در سطح حداقل $۰/۹۵$ درصد معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین اختلاف خانوادگی و بزهکاری پسران نوجوان

sig	R	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۲۲۹	-۰/۱۷۵	۰/۴۵	۱/۲۸	۵۰	اختلاف خانوادگی
		۳/۹۱	۲۴/۷۱	۴۹	بزهکاری

(جدول ۴) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای ارضای نیازهای عاطفی و بزهکاری پسران نوجوان را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که بین این دو متغیر تأثیر معنادار وجود دارد این استنباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ در سطح حداقل $۰/۹۵$ درصد معنادار می‌باشد.

در نتیجه می‌توان گفت بین ارضای نیازهای عاطفی و بزهکاری پسران تأثیر معنادار و مثبت وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین ارضای نیازهای عاطفی و بزهکاری پسران نوجوان

sig	R	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۰/۵۸۷	۰/۷۶	۳/۶۸	۵۰	ارضای نیازهای عاطفی
		۳/۹۱	۲۴/۷۱	۴۹	بزهکاری

(جدول ۵) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای علاقه و وابستگی به خانواده و بزهکار پسران نوجوان را نشان می‌دهد که بین این دو متغیر تأثیر معنادار وجود دارد و این اثبات بر اساس آزمون همبستگی پیرسون $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ در سطح $۰/۹۵$ درصد معنادار است. در نتیجه می‌توان گفت میان علاقه و وابستگی به خانواده و بزهکاری پسران تأثیر معنادار وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین علاقه و وابستگی به خانواده و بزهکاری پسران نوجوان

sig	R	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۰/۷۰۸	۰/۷۵	۳/۳۴	۴۹	علاقه و وابستگی به خانواده
		۳/۹۱	۲۴/۷۱	۴۹	بزهکاری

پیشنهادها:

- داشتن شرایط مساعد برای ازدواج؛
- توجه به مسائل معنوی و دینی و تشابه زوجین از لحاظ اعتقادات مذهبی؛
- وجود سابقه مناسب در زندگی خانوادگی؛
- ساده زیستی؛
- ازدواج عاقلانه؛
- پر هیز شدید از ازدواج اجباری؛
- تشابه نسبی سطح آموزش، فرهنگ و تحصیلات؛
- دارا بودن آموزش کافی در زمینه مسائل خانوادگی؛
- مراجعه به مراکز مشاوره و انجام مشاوره ازدواج قبل از ازدواج؛
- دقت کافی در انتخاب همسر؛
- عدم دخالت اطرافیان؛
- عدم اتکاء به دوستی‌های به اصطلاح خیابانی یا اینترنتی؛
- تعدیل کردن توقعات و حذف تشریفات زاید ازدواج؛
- تعیین مهریه‌های مناسب؛
- تطابق پذیری و قابلیت انعطاف زوجین؛
- انجام مذاکرات جهت رفع اختلافات و سوء تفاهم‌ها و تشکیل محکمه داخلی خانوادگی برای حل اختلاف دو همسر؛
- خوش رفتاری و توصیه مکرر به آن و گذشت از غفلت‌ها و تخلفات جزئی همسر؛
- تسلط بر نفس که منجر به غلبه خشم‌های آنی بر انسان نشود و اقدامات یا تصمیماتی عجولانه گرفته نشود؛
- رعایت آموزه‌های دینی از جمله آنکه زن حتماً خود را برای شوهر بیاراید، هنرهای خود را در جلوه‌های تازه برای شوهر به ظهور برساند، مرد نیز به همسر خود محبت و مهربانی کند و به او اظهار عشق و علاقه کند و محبت خود را کتمان نکند هم چنین بایستی برخوردهای زنان و مردان در خارج از محیط خانواده، لزوماً پاک و بی آرایش باشد؛
- رعایت امانت‌داری و حفظ حقوق همسر؛
- وجود صداقت هم در بدو تشکیل خانواده و هم در طول زندگی زناشویی.

منابع:

- تایپر، ادوارد (۱۳۷۱)، بچه‌های طلاق، ترجمه توراندخت تمدن، تهران: انتشارات خاتون.
 - ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
 - فیشر، بروس؛ آلبرتی، رابرت (۱۳۸۷)، کلیدهای بازرسی زندگی پس از طلاق، ترجمه اکرم کرمی، تهران: انتشارات صابرین، چاپ دوم.
 - کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، عوامل اجتماعی طلاق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - کوئن، بروس (۱۳۷۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: چاپ اول.
 - گواهی، زهرا (۱۳۷۱)، بررسی حقوق زنان و مسائل طلاق، تهران: چاپ اول.
 - ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی طلاق و بررسی آن در حقوق مدنی، تهران.
 - نیومن، گر؛ مانوکسی، پاتریشیایار (۱۳۸۶)، تأثیر طلاق بر فرزندان، ترجمه فرناز فرود، تهران: انتشارات صابرین.
 - والچاک، ایوات (۱۳۷۰)، طلاق از دید فرزند، ترجمه شیلا برنزی، تهران: انتشارات آزاد.
- WWW. Sid.ir